

عجیب‌های دادگاه خانواده

جدایی همیشه تلخ است. به خصوص اگر بین زن و شوهری باشد که با هم از امیدوار روز زندگی مشترکشان را تشکیل می‌دهند اما بعد از گذشت مدتی کارشان به جدایی می‌گشود و باید پشت بایز نندبه تمام آنچه برای زندگیشان ساخته بودند. در این میان دلایل و انگیزه‌های این جدایی‌ها همیشه مختلف است. کافی است آدم سری به دادگاه خانواده بزند تا متوجه شود گاهی اوقات زوج‌های عاشق پیشه چطور به راحتی زندگی مشترک خود را نابود می‌کنند. بعضی وقت‌ها اختلافات در یک زندگی مشترک آنقدر بزرگ و غیر قابل حل است، که راهی جز جدایی باقی نمی‌ماند. اما در دادگاه خانواده هستند پرونده‌های طلاق که دلایل و انگیزه‌های آن، آنقدر کوچک و بی اهمیت است که می‌توان به سادگی‌ترین شکل آنها را حل کرد. اما زوج طلاق را برای حل این مشکلات ساده انتخاب کرده‌اند. در دادگاه خانواده پرونده‌های دیگری هم هستند که خواند نشان آدم را شوکه می‌کند؛ مانند برخی مهریه‌های عجیبی که در پرونده‌های طلاق ثبت شده‌اند. پرونده‌های عجیب زیر بخشی از این ماجراها در سال ۹۷ است که در دادگاه خانواده گشوده شده بود.

زیبایی در دسرساز

یکی از این پرونده‌های عجیب، ماجرای زندگی شیوا و مهران بود. زوج عاشق پیشه‌ای که درست پنج ماه بعد از زندگی مشترکشان، راهی دادگاه خانواده شدند. مهران تصمیم گرفته بود برای همیشه به زندگی مشترکش پایان دهد. دلیلش هم تنها یک چیز بود. زیبایی همسرش. او که به خاطر این زیبایی ناراحت بود و به همسرش بدبین شده بود طلاق را بر ادامه زندگی مشترک ترجیح داد. مهران با این که عاشق همسرش بود، اما دیگر حاضر نشد در کنار او بماند. شیوا تنها به جرم زیبایی راهی دادگاه خانواده شده بود تا از زندگی زناشویی‌اش دست بکشد. این زیبایی باعث شده بود که مهران به او بدبین شود. مهران تصور می‌کرد تمام مردهایی که همسرش را می‌بینند عاشقش می‌شوند. او درباره علت درخواستش به قاضی دادگاه خانواده گفت: «از وقتی که زندگی مشترکمان آغاز شد، حس شک و بدبینی تمام وجودم را فرا گرفت. شیوا زن زیبارویی است و همیشه هم شیک و خوش تیپ می‌گردد. برای همین همیشه احساس می‌کنم هر مردی او را ببیند عاشقش می‌شود. الان پنج ماه است دارم عذاب می‌کشم. می‌خواهم از او جدا شوم تا حداقل آسایش داشته باشم. با این که همسر را دوست دارم ولی زندگی در کنارش عذاب می‌دهد.»

و به همین راحتی زندگی کوتاه این زوج، به یکی از پرونده‌های دادگاه خانواده تبدیل شد.

رنگ ماشین زندگی مشترک را به هم زد

ماجرای دیگر مربوط به رنگ یک هدیه گرانیقیمت می‌شود. خودرویی که سرآغاز تمام جنجال‌ها و در نهایت جدایی یک زوج جوان شد. هدیه‌ای که در دسرساز بود و در نهایت یکی دیگر از پرونده‌های طلاق را باز کرد و پای زوج جوان را بعد از سه سال زندگی مشترک به دادگاه خانواده کشید. ماجرا چه بود؟ دعوای سررنگ ماشین! مساله در ظاهر خیلی ساده است ولی سه سال زندگی مشترک زینب و فرید را تحت تاثیر قرار داد و زندگی این زوج را به یکی از پرونده‌های دادگاه خانواده تبدیل کرد. قضیه از این قرار بود که مرد جوان تصمیم گرفت برای همسرش یک ماشین بخرد. می‌خواست آن را به عنوان هدیه به همسرش بدهد تا رفت و آمدهایش راحت تر شود. فرید قصد داشت همسرش را سورپرایز کند و تمام کارهای خرید خودرو را انجام دهد و بعد آن را به زینب هدیه بدهد. ولی ماجرا لو رفت و همسرش متوجه این موضوع شد. اینجا بود که جر و بحث‌های زوج جوان شروع شد. این زن و شوهر بر سر نوع ماشین با هم توافق داشتند اما در مورد رنگ خودرو با هم اختلاف سلیقه پیدا کردند. زینب که ۲۰۶ قرمز رنگ دوست داشت، به شوهرش گفت که خودرواش باید قرمز باشد. اما وقتی دید که فرید خودروی ۲۰۶ مشکی برایش خریده، قهر کرد؛ قهری که تا دادگاه خانواده کشیده شد و این زوج را تا پای طلاق برد.

مهریه‌ای که پدرشوهر را ورشکست می‌کرد

در این میان مهریه‌های عجیب هم هنوز مرسوم است و همچنان هستند زنان و مردانی که مهریه‌های عجیب و غریب را در عقدنامه خود ثبت می‌کنند. یکی از پرونده‌هایی که مهریه‌ای عجیب در آن ثبت شده بود، مربوط به زن جوانی است که چند وقت پیش تصمیم گرفت به دادگاه خانواده برود و مهریه‌اش را به اجرا بگذارد. عروسی که تمام اموال پدرشوهرش را به عنوان مهریه خود تعیین کرده بود و حالا می‌خواست زندگی پدرشوهرش را از او بگیرد. این عروس جوان درست هشت ماه پس از زندگی مشترک با شوهرش، به دادگاه خانواده رفت و مهریه‌اش را طلب کرد؛ مهریه‌ای که برای مرد میانسال گران تمام می‌شد و باید تمام سرمایه و ملک و املاکش را به عروسی می‌سپرد. اما ملیکا تصمیم گرفته بود تمام سرمایه پدرشوهرش را بگیرد. او این سرمایه را متعلق به خودش می‌دانست و می‌گفت از روزی که آن را به عنوان مهریه ثبت کردم، تمام این سرمایه متعلق به من شده است. ملیکا باین که اختلاف خاصی با شوهرش نداشت اما می‌خواست خودش صاحب تمام اموال پدرشوهرش باشد. برای همین به دادگاه خانواده رفت و مهریه‌اش را درخواست کرد. قاضی هم دستور بررسی این موضوع را صادر کرد تا بتواند حکم نهایی را صادر کند.

قتل ۲ همسر

مشهد- خراسان رضوی

۲۱ بهمن

تعداد قربانیان: ۲ نفر



زمانی که کارگران شهرداری جسد زن ۴۰ ساله را در جوی آب پیدا کردند، کسی تصور نمی‌کرد زن جوان دومین قربانی قاتل باشد. به دنبال کشف جسد، تحقیقات آغاز شد

و بررسی‌ها، نشان می‌داد مقتول هشت سابقه کیفری در پرونده خود دارد. در ادامه بررسی‌ها خانواده مقتول شناسایی و شوهرش به عنوان مظنون قتل دستگیر شد. او ابتدا منکر جنایت بود، اما در نهایت اعتراف کرد با همسرش در حیاط خانه دعواش شده و با فشار دادن گلوئی زن جوان او را به قتل رسانده است. او بعد از جنایت با خودروی دامادش، جسد را به محل دیگری انتقال داده و در جوی آب می‌اندازد.

در ادامه تحقیقات، کارآگاهان از طریق سوابق متهم به سرخ‌هایی رسیدند که نشان می‌داد او از اوایل امسال به اتهام قتل همسر دومش در منطقه نجف آباد اصفهان تحت تعقیب است، بنابراین وی درباره این جنایت نیز مورد بازجویی قرار گرفت. مرد میانسال در نهایت به دومین جنایت خود اعتراف کرد و گفت: وقتی به خاطر حمل مواد مخدر به زندان رفتم، همسر دومم طلاق گرفت.

روز حادثه تلفنی با او قرار گذاشتم تا با تهدید چاقو او را به زندگی گذشته‌اش برگردانم، چرا که هر بار از او می‌خواستم برگردد، قبول نمی‌کرد. وقتی سوار خودرویش شدم به طرف جاده یزدان شهر حرکت کردیم و در یک لحظه عصبانی شدم و او را به قتل رساندم.

به خاطر ۲۰ کیلو برنج

خدابنده- زنجان

۲۴ بهمن

تعداد قربانیان: ۳ نفر

زمانی که ماموران شهرستان خدابنده در جریان قتل زوج سالمند و پسر معلولش قرار گرفتند بلافاصله راهی محل جنایت شدند. خانه‌ای قدیمی که در آن زنی ۶۰ ساله، مردی ۸۰ ساله و پسر ۴۵ ساله با ضربات متعدد چوب دستی به قتل رسیده بود. با بررسی‌های فنی و علمی، پلیس به فردی معتمد و سابقه‌دار ظنین شد و او را دستگیر کرد. مرد معتمد ابتدا منکر جنایات بود، اما مدارک پلیسی او را وادار کرد به قتل‌ها اعتراف کند. قاتل، جوانی ۲۶ ساله و معتمد به هروئین و شیشه که مدتی قبل مستأجر این خانه بود و از وضعیت خانواده و محیط خانه آشنایی داشت، وی به قصد کشتن اعضای این خانواده وارد خانه شده و هر سه نفر را در فاصله زمانی کمی به قتل رسانده و پس از آن با سرعت دو گونی برنج ده کیلویی، فرار کرده است.